



نیما ایمان‌زاده کارگردان نمایش «باب‌بارا»

نماینده سندج در جشنواره فجر:

جشنواره تئاتر فجر جشن تئاتر ایران است

نقدهایی از اجراهای جشنواره تئاتر فجر

۱۳

لذت کشف تمثیل‌ها



سحر عمر آزاد منتقدسینما

فیلم سینمایی «بی‌همه چیز» به‌عنوان سومین فیلم کارنامه محسن قرایی اقتباسی آزاد از نمایشنامه «ملاقات با بانوی سالخورده» اثر فردریش دورنمات است که فیلمنامه آن توسط محمد داوودی و قرایی به نگارش درآمده است. فیلم به تبّع منبع اقتباس خود قرار است حضور یک میهمان را به روستایی ثبت کند که زمانی از آن رانده شده است. آنچه در ادامه به شکل تدریجی عیان می‌شود، زیرمتن این سفر است که چیزی جز سر باز کردن زخم گذشته و انتقام به‌عنوان مفهومی ازلی-ابدی نیست. فیلمساز از لحظه ورود لی لی خانم؛ زنی متمول که صاحب منصبان و اهالی روستا برای پولش دندان تیز کرده‌اند، تصویری از او ثبت می‌کند که با کنار هم قرار گرفتن قطعات پازل گذشته این‌تصویر به چهره آسیب‌پذیر دختری که در گذشته با بی‌رحمی از زادگاهش طرد شده، تعدیل می‌شود. به همین دلیل فیلم زمانی حدود ۲ ساعت صرف می‌کند تا بتواند فضا، مکان، مناسبات و کاراکترها را در زمان حال معرفی کرده و نسبت آنها را با بحران گذشته و حال برای مخاطب شفاف‌سازی کند. جایی که یک شبه قهرمان روستا تبدیل به فردی منفور و فراری می‌شود که قربانگاه، انتظارش را می‌کشد و مردم همزمان به او سنگ می‌زنند و سنگش را به سینه می‌زنند! این تناقض و دوگانگی، وجهی‌تر از رفتارشناسی جامعه‌ای نمادین است که می‌تواند قابل ارجاع و بازیابی به زمان حال باشد. به‌همین دلیل است که فیلم وری قصه ادبی پرکششی که روایت می‌کند، به جهت کشف نمادها، نشانه‌ها و مابه‌ازا سازی‌ها می‌تواند ارتباط درام محوری را با روزگار ما برقرار کند و لذتی مضاعف به‌همراه داشته باشد. فیلم در بخش میانی واجد یک سکانس افشاگری دراماتیک است که به جهت انتخاب لوکیشن، میزانشن و جزئیات پرداخته شده، تبدیل به شاه سکانس فیلم می‌شود. موقعیتی که در قعر معدن، امیر ولی لی گذشته‌ای را که مرد انکار وزن از آن فرار کرده، مرور می‌کنند درحالی‌که مصداق اشتراک آنها در صحنه حضور دارد! محسن قرایی در «بی همه چیز» همچنان فیلمنامه را به‌عنوان اصل بنیادین فیلم خود محکم بنا کرده و در مرحله بعد با انتخاب قصه‌ای پرکاراکتر و به چالش کشیدن سویه کارگردانش، چند گام رو به جلو در فیلمسازی برداشته و فیلمی چالش‌برانگیز را در کارنامه خود ثبت کرده است.

درباره «بی‌همه چیز» محسن قرایی

هاتف علیمردانی در گفت‌وگو با جواد طوسی از «ستاره بازی» گفته است

ترومای مهاجرت از مرگ عزیز تلخ‌تر است

متن این گفت‌وگو را در صفحات ۱۴ و ۱۵ بخوانید

ملال آور و گاه‌پر از نفرت و بی‌زاری بدل می‌کند. کم‌دی – رومانتیک بودن آن به معنای خنده برای سرگرمی نیست بلکه بیشتر برای تلطیف و خلق فضای سرخوشانه است و استفاده از رنگ‌های شاد در فیلم هم به‌همین منظور بوده است. به عبارت دیگر کم‌دی در اینجا برای خنده دار شدن موقعیت نیست بلکه یک فضای مفرح ایجاد می‌کند تا در پس آن حرفی جدی و گاه ترازیک با تلخی کمتری به مخاطب منتقل شود. از این حیث واجد نوعی امید و نگاهی از سر خوش‌بینی نه خوش خیالی به غایت زندگی مشترک است. از این‌رو فیلم را نباید کم‌دی به معنای رایج و متداول آن معنا کرد. درست به همین دلیل است که می‌توان گفت رمانتیسم عماد و طوبا یک مانیفست زناشویی است که در کنار آسیب شناسی به ارائه راه حل هم می‌پردازد و مهارت‌هایی را که لازمه تداوم یک زندگی عاشقانه یا دست‌کم زندگی رضایت بخش است در بستر خود درام و گره کشایی‌های دراماتیک آن مطرح می‌کند. رمانتیسم عماد و طوبا ماجرای عشقی آنها را از کودکی تا پیری با فراز و نشیب‌های یک زندگی مشترک به‌تصویر می‌کشد. روایتی که توسط سارا بهرامی به‌عنوان راوی قصه بیان می‌شود تا از ظرفیت کلامی قصه‌گویی در بیان توصیه‌های روانشناختی قصه استفاده شود. البته گاهی این سویه کلامی از ساختار درام بیرون زده و گل درشت می‌شود. آنچه می‌تواند تماشای این فیلم را بویژه برای زوج‌های جوان جذاب کند پردازش بدون تعارف نقاط آسیب‌زایی است که می‌تواند در یک رابطه عاطفی به‌وجود بیاورد و در واقع فیلم با نگاهی علت‌شناسانه به ریشه‌یابی و دردشناسی دست زده و شیوه درمان را هم که شعاری و احساسی نیست در فرآیند درام بازنمایی می‌کند. در واقع او برخلاف ته‌میننه میلانی که هم نگاه جنسیتی به زندگی زناشویی دارد و هم کلی‌گویی می‌کند سعی می‌کند تا با پرداخت جزئیات که شاید بی‌اهمیت و پیش پا افتاده تلقی شود به آسیب‌شناسی دست زده و مخاطب را قانع می‌کند که دست‌کم گرفتن همین ریزه کاری‌های به‌ظاهر بی‌اهمیت، بنیاد اصلی اختلافات یا دل‌زدگی‌های زناشویی است.

فیلم گرچه از حیث درام و سینمایی فاقد خلأها و حفره‌های فیلمنامه‌ای و کارگردانی است اما از حیث روانشناسی از فیلم‌های به اصطلاح حال‌خوب‌کن است که تماشای آن در شرایط اجتماعی موجود که بسیاری از زندگی مشترک با بن‌بست یا ملال و افسردگی همراه شده

فیلم گرچه از حیث درام و سینمایی فاقد خلأها و حفره‌های فیلمنامه‌ای و کارگردانی است اما از حیث روانشناسی از فیلم‌های به اصطلاح حال‌خوب‌کن است که تماشای آن در شرایط اجتماعی موجود که بسیاری از زندگی مشترک با بن‌بست یا ملال و افسردگی همراه شده

رنگ روّیا زده‌ام بر افق دیده و دل *



احسان طهماسبی منتقدسینما

فوتبال، محوریت مستند «روّیاهای خالکوبی‌شده» است و نخ تسبیح روایت کودکان کمپ استعدادیابی، پذیرفته شدن و سفر به اسپانیا و آموزش در مدرسه فوتبال است، اما رویکرد اجتماعی که مهدی گنجی در این فیلم به‌دنبال آن است فراتر از نمایش، یک رقابت ورزشی است. فوتبال، بستر اصلی روایت داستان است و برداشتی نادرست از سوی مخاطب، می‌تواند سطح مستند را به گزارشی ورزشی از یک رخداد ورزشی تقلیل دهد اما فوکوس کارگردان، بر عملکرد و رفتارهای پنج کودک، باعث می‌شود این مستند در لایه‌های زیرین، به بررسی دیدگاه‌های خانواده‌های این کاراکترها برسد و به واکاوی انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی این پیروزی منجر شود و مستند را شخصیت محور کند. هرچند که روند انتخاب سوره‌ها در فیلم‌های این‌چنینی به‌دلیل محدودیت زمان، معمولاً با شتاب صورت می‌گیرد و سیر تحقیق و پژوهش در این قبیل مستندها با سرعت طی می‌شود، اما در این مستند بواسطه تفاوت طبقه اقتصادی سوره‌ها و تنوع قومیتی آنها، مسیر رسیدن به هدف نهایی فیلم، به‌درستی طی می‌شود و فیلم در معرفی کاراکترها به بیننده، موفق عمل می‌کند. این موفقیت تا اندازه‌ای باعث می‌شود که بیننده در این رقابت قهرمانی، نسبت به کودکان، موضع‌گیری کند و با خانواده‌های آنها همذات‌پنداری داشته باشد و به کمک تدوین خوبی که به فیلم ریتم مناسبی داده است، تا دقایق پایانی با آنها همراه شود و سرنوشت بچه‌ها حائز اهمیت شود. روّیاهای خالکوبی‌شده، روایتی از آرزوهای برپادرفته و خواسته‌های دور دسترس خانواده‌هایی است که ممکن است با یک اتفاق در معرض عینی شدن و تحقق یافتن قرار بگیرند. خانواده‌هایی که برای رسیدن به طبقه اجتماعی و اقتصادی بهتر، تمام توان خود را خرج کرده‌اند و با وجود اختلافات فرهنگی، قومیتی و اقتصادی که دارند یک هدف مشترک را دنبال می‌کنند. سکانس پایانی فیلم که مربوط به پس از بازگشت یکی از کودکان به شهر خود و آغاز تمرینات در همان زمین خاکی و به دور از زرق و برق‌های اسپانیا و تهران است، ضمن اینکه نویدبخش آینده‌ای روشن است و با جملات پایانی، حسن ختامی امیدبخش را برای فیلم به ارمغان می‌آورد، تصویری واضح در پلانی زیبا را به ما نشان می‌دهد که فقر امکانات و کمبود ابزار لازم برای موفقیت‌های این کودکان را به رخ می‌کشد؛ فقری که می‌تواند مانعی بزرگ برای دست‌نیافتن به آرزوها باشد و همچون سدی در مقابل تحقق روّیاهای خالکوبی‌شده قرار گیرد.

*** مصرعی از شهریار**

درباره مستند «روّیاهای خالکوبی‌شده» مهدی گنجی

تقویم و تحلیل جشنواره/ روز اول



عاشقانه خوبان و عاشقانه خونین



رضا ملانی منتقدسینما

جشنواره سی‌ونهم فیلم فجر در سورنالیست‌ترین دوره خود آغاز شد و این بار به‌جای شور و هیاهو انگار با ترس و لرز همراه بود، جشنواره‌ای که در فضای ملتهب کروتابی بدون التهاب سینمایی همیشه برگزار شد؛ این بار با دو فیلم در روز و نشست‌ن با صندلی‌هایی که از هم فاصله گرفته‌اند و چشم‌هایی که پشت ماسک به تماشای فیلم نشسته‌اند. منتقدان و خبرنگارانی که عده‌ای در برج میلاد و گروه دیگری در پردیس ملت قرار است به مدت ۱۰ روز تولیدات سالانه سینمای ایران را ببینند و ارزیابی کنند. ما هم هر روز در صفحه «تقویم و تحلیل جشنواره» به نقد و بررسی فیلم‌های جشنواره سی‌ونهم می‌پردازیم. «رمانتیسم عماد و طوبا» فیلم افتتاحیه جشنواره بود و «بی همه چیز» هم به‌عنوان فیلم دوم به نمایش درآمد. رمانتیسم عماد و طوبا؛ سیر عشق کاوه صباغ‌زاده را هم با فیلم های پدرش می‌شناسیم هم با فیلم

جشنواره سی‌ونهم فیلم فجر در سورنالیست‌ترین دوره خود آغاز شد و این بار به‌جای شور و هیاهو انگار با ترس و لرز همراه بود، جشنواره‌ای که در فضای ملتهب کروتابی بدون التهاب سینمایی همیشه برگزار شد؛ این بار با دو فیلم در روز و نشست‌ن با صندلی‌هایی که از هم فاصله گرفته‌اند و چشم‌هایی که پشت ماسک به تماشای فیلم نشسته‌اند. منتقدان و خبرنگارانی که عده‌ای در برج میلاد و گروه دیگری در پردیس ملت قرار است به مدت ۱۰ روز تولیدات سالانه سینمای ایران را ببینند و ارزیابی کنند. ما هم هر روز در صفحه «تقویم و تحلیل جشنواره» به نقد و بررسی فیلم‌های جشنواره سی‌ونهم می‌پردازیم. «رمانتیسم عماد و طوبا» فیلم افتتاحیه جشنواره بود و «بی همه چیز» هم به‌عنوان فیلم دوم به نمایش درآمد. رمانتیسم عماد و طوبا؛ سیر عشق کاوه صباغ‌زاده را هم با فیلم های پدرش می‌شناسیم هم با فیلم